

حبيب الله مرحمت

تحليل متن شناسی قصیده های عهد سامانی

قصیده های عهد سامانی در تاریخ ادبیات تاجیک و فارس به حکم گنج شایگان است، زیرا در نوع قصیده تمام جنبه های حیات سیاسی و اجتماعی و ویژگی های ادبی و فرهنگی این دوره بی نظیر ملت تاجیک منعکس گردیده است.

آموزش مکمل و عمیق ادبیات عهد سامانی به درجه ای امکان داد که در ادبیات شناسی تاجیک در جاده قصیده شناسی اکنون جنبشی جدید پدید آید.

تا دهه های اخیر نوع قصیده به استثنای بعضی گونه های آن، همچون واسطه مدح و ستایش شاهان و بزرگان شناخته می شد.

تحریر برخی مقاله ها، از جمله «وظیفه های معرفتی قصیده در ادبیات تاجیک» خدای شریف (در مجموعه «یادبود استاد رودکی»، دوشنبه، دانش، ۱۹۸۸، ص ۱۱۱-۱۰۳)، «اساس یک تصویر شاعرانه» (صدای شرق، دوشنبه، شماره ۹^{۱۹۷۵}) و «ردیف یک شاه اثر» رحیم مسلمانیان (صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۸۰)، «شعر رودکی و معمای تحلیل کلام منظوم» ع. ستاراف (صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۷۹)، «عصر ۱۰، مقام جمعیتی شاعر» صدوری سعدی اف (صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۷۸)، «ماهیت شعر در یادگاری های ادبی عصر ۱۰» شریف جان حسین زاده (صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۷۹)، «معنی گذاری در نظم رودکی و معاصران او» ع. نصرالدین اف (صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۸۵)، و غیره ماهیت مسئله مذکور را به کلی دگرگون ساخت.

بر اساس مقاله های مذکور مقام قصیده های عهد سامانی تجدید نظر گردید و چنین خلاصه به دست آمد که «موجودیت هر نوع ادبی در ادبیات و نقش بدیعی-زیبایی شناسی آن در حیات جامعه به وظیفه های معرفتی بدیعی آن وابسته است. از این لحاظ، انواع اساسی شعر کلاسیکی درست بررسی نشده و در زمینه های نظری تحقیق در این مسئله باید تجدید نظر

شود. از جمله، چنین برداشت سطحی در خصوص قصیده انتشار بیشتری دارد...» (خ. شریف‌اف، «وظیفه‌های معرفتی قصیده در ادبیات تاجیک»).

قصیده‌های عهد سامانی از لحاظ قالب سخن، فصاحت و بلاغت و غنای کلام، معنی‌سازی و تمثال‌آفرینی، مخصوصاً از جهت انعکاس مسایل سیاسی و اجتماعی دور نسبت به قصیده‌های سده‌های بعد (عصرهای ۱۲-۱۱) امتیاز بیشتری دارد. برای روشنی انداختن به این مسئله روی آوردن به تحلیل متن‌شناسی قصیده‌های عهد سامانی لازم است.

در تحلیل متن‌شناسی اثر بدیعی، از جمله تحلیل متن قصیده شرط نخست آن است که باید نسخه‌های گوناگون متن اثر در اساس مقایسه و مقابله از تحلیل گذشته متن انتقادی آن مطرح گردد.

تحلیل متن‌شناسی تنها بر اساس نسخه‌های قدیمی و برقرار نمودن صحت متن و اصالت سخن بنیاد می‌یابد.

از ادبیات عهد سامانی قصیده‌های زیادی به یادگار مانده است. اکثر شعرای این دوره در نوع و گونه‌های مختلف قصیده اشعار گفته‌اند که از جمله آنها استاد رودکی، ابوشکور بلخی، کسایی، دقیقی، خسروانی، منطقی رازی، منجیق، ابوالعباس مروزی و دیگران را می‌توان نام برد. متن قصاید شعرای سامانی از سرچشمه‌های معتمد به دست آمده (از جمله تذکره‌ها، فرهنگنامه‌ها، دیوان اشعار، شرح نامه‌ها و...) بر اساس تحقیقات نسخه‌های کامل آنها به چاپ رسیده است. از آن جمله «اکنون بیش از شش نشر و شانزده واریانت گوناگون قصیده «شکایت از پیری» و سه ترجمه مستقل آن به زبان روسی وجود دارد. اگر تصحیح و تکمیلی را که محققان آثار شاعر با متن بیت و مصرع و پاره‌های جداگانه قصیده مذکور هنگام اقتباس داخل کرده‌اند، به اعتبار گیریم، مقدار نسخه‌های آن یک بر دو می‌افزاید...» (ع. ستاراف، «شعر رودکی و معمای تحلیل کلام منظوم»). لازم به ذکر است که دیگر طلبات مهم در تحلیل متن‌شناسی اثر بدیعی (از جمله متن قصیده) مسئله تصحیح متن محسوب می‌شود.

بعضاً متن اثر بدیعی در مجموعه‌ها و نشر سالهای گوناگون از هم فرق کرده، در بعضی واژه‌ها و عبارات تفاوت مشاهده می‌شود. از جمله در متن قصیده «شکایت از پیری» رودکی

که کاملترین قصیده عصر ۱۰ است، بعضی اختلافات در نسخ مختلف را می‌توان دید. بحث عالمان سخن‌شناس راجع به واژه «قطره باران» در بیت دوم قصیده «شکایت از پیری» خیلی طولانی بوده و هنوز هم دوام دارد:

سپید و سیم رده بود و در و مرجان بود ستاره سحری بود و قطره باران بود...

(نک: ر. مسلمان قلاف «اساس یک تصویر شاعرانه». صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۷۵ و «ردیف یک شاه اثر». صدای شرق، شماره ۹، ۱۹۸۰).

مسلم است که مراد شاعر از «قطره باران» شبنم سحری است که به برگ گل چکیده با اولین نورهای آفتاب می‌درخشد و با رنگهای زیبا تشعشع نموده، به ستاره‌های سحری و در و مرجان شباهت می‌یابد.

همچنین در متن قصیده مذکور در بیت ۲۵ در بعضی نسخه‌ها واژه «چمن» به شکل «جهان» به چاپ رسیده است. در بیت ۲۷، در شکل نوشتاری واژه «ملوک» تغییرات به عمل آمده، در بعضی نسخه‌ها به شکل «ملک» آمده است.

بیت ۲۵ در «آثار رودکی»، نشر استالین آباد، سال ۱۹۵۸، ص ۲۱ چنین آمده است:

بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی

سرودگویان گویی هزارستان بود

که در پاورقی شماره ۱۱ این واژه به شکل «ز چمن»، «در چمن» توضیح یافته است. عین همین گونه اشارت در خصوص این بیت در مجموعه «رودکی» (شعرها، دوشنبه، عرفان، ۱۹۷۴) نیز به چشم می‌رسد. ولی در زمینه بیت ۲۷ قصیده در متن این دو نسخه اختلاف دیده می‌شود:

در نشر سال ۱۹۵۸ («آثار رودکی») بیت ۲۷ در چنین شکل آمده است:

همیشه شعر و را ز ملوک دیوان است همیشه شعر و را ز ملوک دیوان بود

عین همین بیت در نسخه «رودکی» («شعرها، نشریات «عرفان»، سال ۱۹۷۴، ص ۵۷) به جای واژه «ملوک» در هر دو مصرع بیت مذکور کلمه «ملک» آورده شده است که توضیح طلب است.

قضاوت منطقی طلب می‌نماید که در بیت ۲۵ به جای واژه «جهان» باید «چمن» و در بیت ۲۷ به جای واژه «ملک» در هر دو مصرع افاده «ملوک» باید استفاده شود. موضوع مهم دیگر تحلیل متن‌شناسی اثر بدیعی (از جمله قصیده) قالب سخن است. از جمله، تحلیل جامع متن قصیده باید از تحلیل قالب سخن، تحلیل لغوی، بررسی نظم شناسی، تفسیر متن و نهایت شرح سبک و شیوه نگارش ادیب عبارت باشد. در قسمت قالب سخن باید: الف) وزن قصیده؛ ب) خصایص زبان اثر، جنبه‌های آوایی و صرفی و نحوی؛ پ) قافیه و ردیف و شکل شعری مورد بررسی قرار گیرد. اگر از این نکته به تحلیل متن قصیده «شکایت از پیری» استاد رودکی نظر اندازیم، پیش از همه باید وزن قصیده معین گردد.

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود نبود دندان لابل چـرـاع تابان بود
 -/-V-V/--VV/-V-V

این قصیده در بهر مجتث مثنی مهبون مقطوع مسجع تصنیف یافته است

به خصایص آوایی می‌توان مقام هر حرف و آوا را در تأمین خصوصیت شعر به نظر گرفت و در تحلیل صرفی و نحوی مقام حصه‌های نطق، طرز و اصول کاربرد آنها در متن، جایگاه ارکان جمله و پیوند و تابعیت هر یک آنها را به دیگری به حساب گرفت. قافیه و ردیف در متن آثار منظوم، از جمله قصیده از جزئیات مهم تحلیل جامع بوده، مقام آن در افاده مضمون و مندرجه و محتوای اثر باید مورد بررسی قرار گیرد. چنانکه راجع به ردیف قصیده «شکایت از پیری» شریف‌جان حسین‌زاده قید کرده‌اند که «در آخر هر بیت کلمه «بود» تکرار شده که هر کدام از زندگی گذشته شاعر یک حال، یک مقامی را تأکید می‌نماید» (رحیم مسلمان‌قلاف. «ردیف یک شاه اثر»، «صدای سرق»، شماره ۹، ۱۹۸۰، ص ۹۸).

تحلیل لغوی از موضوعهای مهم تحلیل جامع متن‌شناسی به شمار می‌رود. از متن قصیده واژه و عبارات مشکل باید توسط لغات و فرهنگهای مختلف مورد تحقیق قرار گیرد و به این وسیله تابش معنایی هر واژه و عبارت معین شده، در شناخت اصالت سخن کوشش به خرج داده شود. تحلیل نظم‌شناسی از مهمترین جنبه‌های تحقیق جامع شده، باید موقعیت هر صنعت

بدیعی، چه لفظی و چه معنوی در مضمون سازی و معنی آفرینی و معنی گذاری و تمثال آفرینی مورد تحقیق قرار گیرد.

لازم به ذکر است که ادیبان عهد سامانی در اشعار خود، از آن جمله در قصاید خویش برای انعکاس واقعی حیات و تصویر «درست و راست» بیشتر از صنعت‌های بدیعی تشبیه، توصیف، تضاد و مقابله، استعاره و مجاز، تلمیح، تشخیص، تجنیس و غیره استفاده کرده، در این جاده داد سخن داده، فصاحت و بلاغت کلام خویش را تا ثریا رسانیده‌اند. از قصیده‌های «بهاریه»، «مادر می»، «شکایت از پیری» استاد رودکی تا قصاید ابوالعباس مروزی، کسایی، منطقی رازی، دقیقی، خسروانی، منجیق، شهید بلخی، ابوشکور بلخی و دیگران سراسر آراسته به صناعت بدیعی بوده، محض استفاده از صنعت‌های بدیعی حسن معانی بلیغ را در متن قصاید عهد سامانی تمامیت بخشیده‌اند. چنانکه بنیاد محتوایی قصیده «شکایت از پیری» استاد رودکی را صنعت‌های بدیعی تضاد و مقابله، تشبیه، توصیف، تلمیح، تناسب کلام و غیره تشکیل می‌دهد، یا خود به نمونه‌ای از قصاید کسایی که به فصل بهار اختصاص دارد، متوجه می‌شویم:

سرخ و سیه شقایق هم ضد و هم موافق

چون مؤمن و منافق پنهان و آشکارا

سوسن لطیف و مشکین چون خوشه‌های پروین

شاخ و ستاک نسرین چون برج ثور و جوزا...

در متن این قصیده صنعت سجع خیلی موجز به کار رفته، واژه‌های شقایق، موافق، منافق در بیت اول، واژه‌های مشکین، پروین، نسرین در بیت دوم موسیقی متن را تأمین نموده است. ثانیاً، صنعت‌های تضاد و مقابله (سرخ و سیه، ضد و موافق، مؤمن و منافق، پنهان و آشکار)، تشبیه (چون مؤمن و منافق، چون خوشه‌های پروین، چون برج ثور و جوزا) و غیره در معنی سازی و مضمون آفرینی شرکت ورزیده، افاده مقصد شاعر و تصویر طبیعت اول بهار با مهارت تمام مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی نظم‌شناسی در تحلیل جامع متن قصیده‌ها از قسمت‌های خیلی مهم محسوب می‌شود.

تفسیر متن قصیده

بر اساس اصول سنتی تحلیل متن، مفسر می‌تواند آثار ادبی، از جمله متن قصیده را از راه بیت به بیت شرح و تفسیر نماید. اما وابسته به حجم قصیده یا از لحاظ مضمون به قسمتهای محتوایی تقسیم‌بندی شدن می‌توان متن قصیده را از روی آن قسمتها مورد بررسی قرار داد. چنانکه قصیده «شکایت از پیری» به پنج قسمت تقسیم می‌شود:

۱. افتتاح (چهار بیت اول را در بر می‌گیرد)
۲. قسمت فلسفی (بیت‌های ۸-۵ را فرا می‌گیرد)
۳. سرود جوانی (بیت‌های ۲۳-۹ را در بر می‌گیرد)
۴. افتخار از گذشته خود (بیت‌های ۳۳-۲۴ را فرا می‌گیرد)
۵. انجام (بیت آخر را در بر می‌گیرد).

بی‌گمان این تقسیم‌بندی نسبی بوده، وابسته به محتوای قصیده کاربست شده است، زیرا متن قصیده منطقاً یکسان بوده، از جهت یگانگی محتوا و بند و بست و ساختار خیلی پر قوت است. تمام قسمتهای قصیده از ابتدا تا انتها هنگام تفسیر متن از مفسر دنیاشناسی، دانش عمیق، تجربه زندگی، فلسفه با اعتماد و دیده حق‌بین را طلب می‌نماید. تفسیر متن قصیده «شکایت از پیری» شرح و بیان تنها شخصیت شاعر نیست، بلکه شرح این جهان گرد گردان و فلسفه حیات انسان در آن است. راجع به تفسیر متن این قصیده مواد خیلی فراوان است، از این رو حاجت به تکرار نیست، ولی یک نکته باید ارزیابی شود که رودکی قدرت والای سخنوری و گرایش فلسفه خود را از همه بیشتر در بیت آخر قصیده نمایش داده است. او توانسته است که در یک بیت مضمون مکمل را گنجایش دهد و وسعت افکار شاعر در این بیت به درجه‌ای چیره است که تمام مضمون قصیده را از ابتدا تا انتها در خود گنجانده، در عین زمان خلاصه تمام گفته‌های شاعر را در خود تجسم نموده است:

کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم
عصا بیار که وقت عصا و آنبان بود